

Lived experience of women in war support centers (case of study: tailoring workshop in Isfahan University)

Zahara Askari Datjerdi, Corresponding author, Master of Women's Studies, Isfahan University. (Corresponding Author) Z.asgari100@gmail.com

Ali Rabbani Khorasgani, Professor, Department of Social Sciences, Isfahana University .rabbani@ltr.ui.ac.ir

Abstract

The presence of women in diverse and multifaceted social activities during the process of Iran's islamic revolution and thereafter has brought about a new type of women's activism, which differs in the nature of women's social roles between traditional and modern approaches. This kind of activism has the potential to present a new model that can be inspiring for our contemporary policymaking in the realm of women. Women's involvement in war support centers, particularly in the sewing workshop of Isfahan University, exemplifies this activism. The aim of this research is to investigate the lived experience of these women using a phenomenological approach. To this end, in-depth and semi-structured interviews were conducted with 16 active women in the sewing workshop. The findings indicate that this activity has led to the retrieval of social identity for women; a social identity under which they grow and feel satisfied and competent. This phenomenon also occurs within a cohesive, flexible, and efficient structure and an elevated space. A structure that understands the necessities of women's lives and a space where the network of human relationships is based on divine values. Among these, the way families confront changes in women's roles differs, but overall, it can be said that with the change in the societal mindset and heart regarding the importance of women's presence in the new political system, the majority of Iranian society has accepted women's roles in cultural, social, and political spheres.

Keywords

lived experience, social role, women, war.





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تجربه زیسته زنان در مراکز پشتیبانی از جنگ (مورد مطالعه: کارگاه خیاطی در دانشگاه اصفهان)

زهرا عسکری دستجردی^۱، علی ربانی خوراسگانی^۲

چکیده

حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی متنوع و متکثر در فرآیند پیروزی انقلاب و بعد از آن، نوع جدیدی از کنشگری زنان را به منصفه ظهور گذاشت که با نوع نقش‌آفرینی اجتماعی زن در رویکرد سنتی و مدرن تفاوت داشت. این نوع کنشگری قابلیت ارائه یک الگوی جدید را دارد که می‌تواند برای سیاست‌گذاری امروز ما در حوزه زنان الهام‌بخش باشد. فعالیت زنان در مراکز پشتیبانی جنگ و به‌طور خاص کارگاه خیاطی دانشگاه اصفهان از مصادیق این کنشگری است. هدف این پژوهش بررسی تجربه زیسته این زنان با روش پدیدارشناسی است. به همین منظور با ۱۶ نفر از زنان فعال در کارگاه خیاطی مصاحبه عمیق و نیمه ساختار یافته صورت گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که این فعالیت منجر به بازیابی هویت اجتماعی برای زنان شده است. هویتی اجتماعی که ذیل آن رشد می‌کنند و احساس رضایت و کارآمدی دارند. این اتفاق هم‌چنین در یک ساختار منسجم، منعطف و کارآمد و فضایی متعالی رخ می‌دهد. ساختاری که اقتضائات زیست‌زانه را فهم می‌کند و فضایی که شبکه روابط انسانی در آن مبتنی بر ارزش‌های الهی است. در این میان روش مواجهه خانواده‌ها با تغییر در نقش‌های زنانه متفاوت است اما در مجموع می‌توان گفت با تغییر فضای ذهنی و قلبی جامعه درباره اهمیت حضور زنان در نظام سیاسی جدید، اکثریت جامعه ایرانی نقش‌آفرینی زنان در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را پذیرفته است.

واژگان کلیدی

تجربه زیسته، نقش اجتماعی، زنان، جنگ.



مقدمه

در اصطلاح دانش جامعه‌شناسی نقش، عنوان یا برجستگی است که با آن جایگاه و الگوی رفتاری شخص در بین جامعه، تعیین می‌گردد. گستره نقش زنان در رویکردهای مختلف متفاوت است. در رویکرد سنتی نقش‌های زنان محدود به فعالیت‌های درون خانواده است که عمده‌ترین آن عبارت است از شوهرداری، تربیت و مراقبت از فرزندان. ریشه تاریخی این نظریه به جوامع گذشته و بافت قبیله‌ای زندگی در سده‌های گذشته باز می‌گردد. در جوامع اسلامی نیز برخی از تعالیم شرعی به ظاهر با چنین تفکری موافقت داشته است. به همین جهت این نظریه تا حدود قابل توجهی رسوخ کرده و به عنوان یک تفکر اسلامی درباره زن، مورد پذیرش و تأکید قرار گرفته است (پیروزمند، ۱۳۸۰: ۱۰۸).

در رویکرد مدرن، زنان فمنیست برای احقاق حقوق از دست رفته خود تلاش می‌کنند و حقوق برابر با مردان را مطالبه دارند تا از این طریق بتوانند هویت از دست رفته خود را احیا کنند؛ بنابراین زنان در مقیاس فعالیت خود، از سطح خانواده فراتر رفته، به سطح جامعه وارد می‌شوند (پیروزمند، ۱۳۸۰: ۱۱۳)؛ بنابراین نقش‌های مختلف اجتماعی برای زنان تعریف می‌شود. نقش‌هایی که آن‌ها را وارد ساختارهای مردانه می‌کند و از آن‌ها می‌خواهد همانند یک مرد نقش‌آفرینی کنند.

این دو رویکرد، فضای قالب وضعیت نقش‌آفرینی زنان در کل دنیا بوده است. پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران منشأ مشروعیت قدرت سیاسی تغییر کرد و نگرش خاصی نسبت به مفاهیم و پدیده‌های اجتماعی مطرح گردید. این نگرش در بررسی مدل اجتماعی، پایگاه و نقش زن در جامعه اسلامی نیز تعیین کننده است. انقلاب اسلامی زنان را به عنوان بخش مهم و تعیین کننده و اثرگذار در کنار مردان تعریف کرد و نسبت زن و مرد را نسبت مکمل دانست. این رویکرد را در اندیشه بنیان‌گذار انقلاب اسلامی می‌توان یافت و به جرئت می‌توان گفت که این رویکرد با رویکرد بسیاری از افراد مذهبی آن زمان متفاوت بوده است. نگاهی که در آن زنان نقش حساسی در بنای جامعه اسلامی دارند و عدم نقش‌آفرینی آنان در جامعه غیرقابل جبران است و خلأهای بی‌شماری را با خود به همراه دارد. رهبر کبیر انقلاب معتقد است حضور اجتماعی زن می‌تواند تا حدی ارتقا یابد که مقام انسانی زنان را در جامعه بازیابی نماید و عامل رشد دیگران باشد (تبیان، ۱۳۸۷: ۱۲۸). ایشان حد نقش‌آفرینی زنان در نهضت را رهبری نهضت می‌دانند (تبیان، ۱۳۸۷: ۱۳۶).

در عرصه عمل به خصوص در زمان وقوع انقلاب اسلامی و پس از آن در دوره جنگ این رویکرد به نمایش درآمد اما در عرصه نظری قوت چندانی پیدا نکرد. به این معنا که نظریه پردازان توجه چندانی به آن نداشتند و به این ترتیب بعد از جنگ شاهد آن هستیم که سیاست گذاری های حوزه زنان بر مبنای رویکردهای قبلی صورت می پذیرد. امروز که غلبه رویکردهای قبلی، مسائل زنان را بیش از پیش پیچیده و لاینحل کرده است؛ بیشتر از همیشه به ضرورت ایجاد الگویی جدید برای نقش آفرینی زنان پی برده ایم. حال مطالعه نحوه عملکرد زنان در این دو رویداد مهم تاریخ انقلاب اسلامی، به صورت پسینی می تواند کمک شایانی در راستای قوت یافتن نظریه پشتیبان آن و همچنین راهنمایی برای عرصه سیاستگذاری باشد.

یکی از نقاط درخشان حضور زنان، حضور آن ها در فضای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است. به طوری که ما شاهد ایفای نقش اجتماعی پررنگ زنان هستیم. این نقش آفرینی با نقش آفرینی زنان در روزهای پیروزی انقلاب متفاوت است و ویژگی های مختص خود را دارد. عرصه های آن نیز متنوع است و هر یک در جای خود قابل تأمل و بررسی است. یکی از عرصه های فعالیت اجتماعی زنان حضور در فعالیت های به اصطلاح پشتیبانی جنگ بوده است. البته واژه پشتیبانی به درستی گویای مطلب نیست. چرا که این نوع فعالیت ها از یک طرف و به طور مستقیم با اقتصاد جنگ و تأمین نیازهای رزمندگان ارتباط داشته است و از طرف دیگر عامل هم افزایی روحی و قلبی نیروهای مردمی با نیروهای حاضر در مقابله مستقیم با دشمن بوده است.

به طور خاص در شهر اصفهان و در محیط دانشگاه اصفهان به پیشنهاد یکی از اعضای شورای جهاد و در هماهنگی کامل با کارکنان و مسؤلین دانشگاه، پایگاهی جهت دوزنگی و بافندگی البسه مورد نیاز رزمندگان ایجاد می شود و زنان از سراسر شهر داوطلبانه در این فعالیت شرکت می کنند. این کارگاه با حدود ده نفر نیرو از دو ماه بعد از شروع جنگ راه اندازی می شود و در نهایت نام قریب به هفت هزار نفر در فعالیت های مختلف ثبت می گردد. در این پژوهش قصد داریم برای رسیدن به فهم دقیقی از ایفای نقش اجتماعی زنان در این مرکز، چند دهه به عقب برگردیم و با بررسی تجربه زیسته زندگی آنان به کشف معانی ذهنی شان در حین انجام این فعالیت اجتماعی بپردازیم. لازم به ذکر است در نگارش این مقاله از مصاحبه های تاریخ شفاهی دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی در حسینیه هنر اصفهان استفاده شده است.

پیشینه پژوهش

این پژوهش به لحاظ نظری از نظریه نقش الهام گرفته است. بر اساس تئوری ساختار کارکردی یک جامعه از شبکه روابط تشکیل شده است که در آن تقسیم کار انجام می‌گیرد. این جامعه وقتی بالاترین کارکرد را دارد که اولاً عناصر و اجزاء آن بر اساس یک نقشه معین در یک نظام مستحکم به طور منسجم با هم ترکیب شده باشند. دوم این که هر جزء یا عنصر در جای و نقش مناسب خود قرار گرفته باشد و سوم اینکه مردم آن جامعه با هم اتفاق نظر و وفاق ارزشی داشته باشند (رفیع‌پور، ۱۳۹۳: ۱۵۳). در مورد عملی کردن شرط دوم، تئوری نقش^۱ به ما کمک می‌کند. بر اساس تئوری نقش، کارکرد بالای یک جامعه وقتی حاصل می‌شود که نقش‌هایی که افراد باید ایفا کنند دقیقاً تعریف و مشخص باشد و هرکس بدانند باید چه کاری را انجام دهد. از طرف دیگر هر نقشی به افراد مناسب برای آن نقش، واگذار گردد و حقوق و وظایف هر کس در هر نقش دقیقاً تعریف شده باشد (رفیع‌پور، ۱۳۹۳: ۱۵۵).

نقش‌ها با پایگاه پیوند دارند. پایگاه را معمولاً به عنوان رتبه یا موقعیت شخص در گروه یا یک گروه در رابطه با گروه‌های دیگر تعریف می‌کنند. نقش، رفتار مورد انتظار از کسی است که صاحب یک پایگاه ویژه است. از آنجاکه افراد می‌توانند صاحب پایگاه‌های متعدد باشند، انتظارات متفاوتی نیز در مورد نقش‌هایی که باید ایفا کنند، وجود دارد (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۶: ۲۸).

نقش اجتماعی به معنای برآورده کردن انتظارات اعضای گروه اجتماعی و یا در واقع به معنی چگونگی عمل کردن به قواعد و هنجارها در یک موقعیت اجتماعی است (رفیع‌پور، ۱۳۸۷: ۴۱۴). نقش‌های اجتماعی را می‌توان به دو نوع انتسابی و اکتسابی تقسیم کرد. نقش‌های انتسابی را جامعه به افراد می‌دهد، بدون اینکه تلاش فرد را در نظر بگیرد؛ اما نقش‌های اکتسابی را افراد با تلاش‌شان به دست می‌آورند. به‌طور مثال شاهرادگی نقشی انتسابی و وزارت یک نقش اکتسابی است (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۶: ۲۸).

ویژگی‌های اصلی نقش‌های اجتماعی را می‌توان به این شرح برشمرد:

۱. نقش‌های اجتماعی پدیده‌هایی نه فردی، بلکه دقیقاً جمعی هستند؛
۲. در هر جامعه و زمان، گروه‌های اجتماعی نقش‌هایی ویژه بر عهده دارند. پویایی جامعه و گروه‌ها را می‌توان با توجه به دگرگونی نقش‌های آن سنجید؛

۳. هر نقش با انتظاری خاص از جانب دیگران همراه است و عدم ایفای درست آن موجبات تعجب دیگران را فراهم می‌سازد؛
۴. تعدد نقش‌های انسان در همه جوامع وجود داشته است؛ اما جامعه جدید با تعدد حرفه‌ها و سمت‌ها، بر شمار نقش‌ها افزوده است؛
۵. تنوع نقش‌ها امری طبیعی است و بر گوناگونی پایگاه‌های اجتماعی متکی است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۷۲۵).

دو رهیافت متفاوت در نظریه نقش وجود دارد: رهیافت نخست، توصیفی ساختاری از نقش‌های واقع در نظام اجتماعی به دست می‌دهد و رهیافت دوم محتوای اجتماعی- روان‌شناختی بیشتری دارد و بر جریان‌های فعال مربوط به ایجاد، برعهده گرفتن و ایفای نقش‌ها توجه دارد. در رهیافت ساختاری هر پایگاه اجتماعی در جامعه مانند پایگاه یک معلم مورد بررسی قرار می‌گیرد و تلاش می‌شود مجموعه استانداردهای حقوق و وظایف مربوط به یک‌گونه آرمانی آن موقعیت توصیف شود. انتظارات جامعه برای تحقق حقوق و وظایف پایگاه، نقش را تشکیل می‌دهد. رهیافت مقابل با ماهیت اجتماعی- روان‌شناختی به جنبه‌های پویای کارکرد نقش‌ها توجه بیشتری کرده است. این دیدگاه به جای توصیف جایگاه نقش‌ها در ساختار اجتماعی به بررسی تعاملاتی می‌پردازد که در آن‌ها مردم نقش‌هایشان را ایفا می‌کنند. در اینجا تأکید بر شیوه‌هایی است که در آن‌ها مردم نقش دیگری را برعهده می‌گیرند. نقش‌های خود را می‌سازند، پاسخ‌های دیگران به نقش‌هایشان را پیش‌بینی می‌کنند و بالاخره نقش ویژه خود را ایفا می‌نمایند (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۶: ۳۰).

درباره تجربه زنان ایرانی در ایفای نقش‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مربوط به جنگ تحمیلی ایران و عراق تاکنون پژوهش‌هایی صورت گرفته است. به‌طور مثال جمشیدی‌ها و حمیدی سال ۱۳۸۶ در مقاله تجربه زنان از جنگ، به بررسی تأثیرات مختلف جنگ بر زندگی زنان می‌پردازند و معتقدند تجربه زنان از جنگ به دلیل وضعیت خاص جنسیتی باتجربه مردان متفاوت است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد زندگی زنانی که مواجهه مستقیم با جنگ داشته‌اند؛ با تغییرات عمیق و بنیادین مواجه می‌شود. انفجار ساختار خانواده، تعلیق زندگی روزمره، حفظ امنیت جسمی، بازاندیشی در خویشتن زنانه سنتی و تلاش برای بازگشت به زندگی عادی مفاهیمی است که تجربه زیسته آن‌ها را شکل داده است.

فلاح در سال ۱۳۹۲ با دیدگاهی زن‌محور و رویکردی ساختارگرا، تجربه زنان از

جنگ را با تأکید بر حماسه خرمشهر احصا می‌کند. مقاله او با عنوان تجربه دوگانه زنان از جنگ، بر اساس کتاب‌های خاطرات دفاع مقدس نگارش شده است. او معتقد است دو تجربه زنانه در فضای جنگ قابل مشاهده است: تجربه سکون و سازگاری در زنان سنتی، منفعل و درون‌گرا و تجربه تحرک و تحریک در زندگی زنانی که مداخله‌گر، برون‌گرا و فعال‌اند.

سلیمی سال ۱۳۹۷ در مقاله مطالعه مردم‌شناسی روایت‌های زنان از دوران جنگ تحمیلی، با ۵۰ نفر از زنان سرپل ذهاب و قصر شیرین که تجربه زیست در دوران جنگ را داشته‌اند، مصاحبه می‌کند. او معتقد است تجربه زیسته زنان بعد از جنگ در طول زمان و مکان امتدادیافته و حلقه واسطی بین گذشته، حال و آینده آن‌ها می‌شود. در واقع روایت کردن برای این زنان ابزاری است برای سهیم کردن تجربه‌های دوران جنگ به عنوان فرآیندی پویا، به گونه‌ای که هم مخاطبین و هم راوی این تجربه‌ها را بازسازی کنند و به فهم مشترکی برسند.

سایر پژوهش‌های مرتبط با تجربه زنان از جنگ معطوف به کتاب‌های منتشر شده از خاطرات زمان جنگ است. ثرمیری در سال ۱۳۹۸ به بررسی نقش زنان در دفاع مقدس بر اساس خاطره‌نوشت یکشنبه آخر (خاطرات معصومه رامهرمزی) می‌پردازد و عنوان می‌کند که زنان در جنگ نقش جدی بر عهده داشتند و انواع نقش‌ها را ایفا کرده‌اند. خالق‌زاده و ولایتی سال ۱۳۹۹ در مقاله نقش زنان را در ادبیات جنگ تحمیلی بررسی کرده و معتقدند این نقش‌آفرینی متفاوت از ایفای نقش آنان در دوره‌های پیشین دانسته‌اند و معتقدند زن در ادبیات جنگ، زنی است که دوشادوش مردان حرکت می‌کند و همه نقش‌ها را توأمان دارد. مادری، همسری، امدادگری، معلمی. میری و نصراللهی سال ۱۴۰۰ به بازنمایی شخصیت زن در کتاب‌های خاطرات دفاع مقدس پرداخته‌اند و در این بررسی شخصیت زنان را در چهار حوزه معنایی بینش، کنش، گرایش و عوامل شخصیت‌ساز بررسی کرده‌اند.

شهرستانی، سلطانی و طباطبایی در سال ۱۴۰۱ به مسئله جنسیت در روایت‌های زنانه و مردانه جنگ از منظر تحلیل انتقادی استعاره می‌پردازند و آثار علمی مکتوب در این زمینه را مطالعه و استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های به‌کاررفته در شش داستان جنگ را استخراج می‌کنند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد در آثار نویسندگان زن، بیشترین استعاره مربوط به استعاره هستی‌شناختی و کمترین استعاره جهتی است و در آثار راویان مرد بیشترین استعاره مربوط به استعاره ساختاری و کمترین استعاره

جهتی است. این تفاوت حاکی از نوع نگرش و توانایی یا تمایل بیشتر زنان در عینیت بخشیدن به مفاهیم انتزاعی است.

جالب است بدانید در مقالات خارجی ردپایی از این نوع نقش آفرینی زنان در جنگ‌ها دیده نمی‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد مجموعه مقالاتی که در رابطه زنان و جنگ در مجلات خارجی به چاپ رسیده است، حول و حوش دو محور قرار دارد: اولین محور به تجربه سربازان زن در جنگ و آسیب‌های ناشی از آن به خصوص در حوزه سلامت مربوط می‌شود. با توجه به این که در بسیاری از کشورها زنان نیروی جنگی به حساب می‌آیند برخی از پژوهشگران به مطالعه حضور این زنان در جنگ پرداخته‌اند. به‌طور مثال مایاکو و جین اسمیت در مقاله‌ای با عنوان تجربه زنان جانبازی که از جنگ برگشته‌اند به مسئله سلامت روان این زنان پرداخته‌اند. در این مقاله که به روش پدیدارشناسی انجام شده است؛ از ۸ زن مصاحبه گرفته شده و از مضامین استخراج شده مسائلی مربوط به سلامت روان به دست آمده است (Maiocco, Jane Smith, 2016).

محور دوم مربوط است به اثرات جنگ بر روی زنانی که در زمان جنگ آواره و بی‌پناه می‌شوند. به‌طور مثال هاینس در مقاله‌ای با عنوان در میدان نبرد بدن زنان، به مروری بر آسیب‌های جنگ برای زنان پرداخته است. او می‌گوید بمب‌ها و سلاح‌های جنگ مدرن زنان غیرنظامی را به تعداد مساوی با مردان غیرنظامی می‌کشند و معلول می‌کنند. از جمله آسیب‌های جنگ برای زنان، آسیب‌های وارده در فاحشه‌خانه‌های نظامی، اردوگاه‌های تجاوز جنسی و رشد فزاینده قاچاق جنسی برای فحشا و افزایش خشونت خانگی است (Hynes, 2004).

روش پژوهش

رویکرد پژوهش حاضر کیفی است و از آنجا که هدف این مطالعه توصیف تجربه زیسته زنانی است که در مرکز پشتیبانی جنگ دانشگاه اصفهان فعالیت داشته‌اند، روش پدیدارشناسی برای آن انتخاب شده است. این رویکرد با توجه به اصول هستی‌شناختی خود، تا حد امکان بر تجربه‌های دست اول یا تجربه زیسته متمرکز شده و از پرداختن به موضوعات ثانویه خودداری می‌نماید، چرا که امکان ورود به لایه‌های معنایی تجربه‌های دست دوم را نداشته و در صورت استفاده به تولید معرفتی مخدوش و تحریف شده می‌انجامد (محمدپور، ۱۳۹۰). دریافت تجربه‌های دست اول یا تجربه زیسته تنها از طریق مصاحبه با افرادی صورت می‌گیرد که خود این تجربه را داشته‌اند.

در این روش تأکید منبع اصلی داده‌های پژوهش، گفت‌وگوهای عمیق محقق و شرکت‌کنندگان است (صانعی، نیکبخت، ۱۳۸۴). جامعه مورد مطالعه ۱۶ نفر از زنان اصفهانی هستند که در خیاطخانه دانشگاه اصفهان حضور فعال داشتند. نمونه‌گیری به روش هدفمند انجام شده و برای به دست آوردن اطلاعات مربوط به این افراد، از طریق یکی از فعالان کارگاه اقدام کرده‌ایم و به روش گلوله برفی به آدرس و مشخصات سایر زنان فعال در کارگاه رسیدیم. جمع‌آوری داده‌ها به روش مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته است. این مصاحبه‌ها به صورت حضوری و غالباً در منزل این افراد انجام شده و در محدود مواردی دفتر تاریخ شفاهی اصفهان میزبان مصاحبه شونده بوده است.

روش تحلیل داده‌ها

برای تحلیل یافته‌ها از روش توصیفی کلایزی مطابق با روندی که مورو، رودریگوز کینگ (۲۰۱۵) به آن پرداخته‌اند، استفاده شد. در گام اول تمام مصاحبه‌ها به دقت پیاده‌سازی و بارها و بارها خوانده شد تا یک معنای کلی درباره محتوای آن به دست آید و در گام دوم جملات مهمی که گویای تجربیات زندگی آن‌ها در کارگاه خیاطی مرتبط بود، شناسایی شد و این جملات در جدولی وارد گردید. در گام سوم از هر عبارت یک مفهوم که بیانگر معنی و قسمت اساسی تفکر فرد بود، مفهوم‌سازی شد. در گام چهارم این معانی فرموله شده، در کدهای توصیفی، تفسیری و تبیینی طبقه‌بندی شدند. در گام پنجم، یافته‌ها در یک توصیف منسجم از پدیده مورد نظر ادغام شدند. در گام ششم ساختار اساسی پدیده (تا حد امکان به صورت واضح و شفاف) توصیف شد. در مرحله پایانی، فرآیند اعتبار بخشی با ارجاع به برخی از شرکت‌کنندگان و پرسش درباره این که آیا یافته‌ها واقعاً تجربه آن‌ها را انعکاس می‌دهند؛ انجام شد (Morrow, King, 2015: 643-644).

برای بررسی اعتبارپذیری یافته‌ها، کدهای تبیینی و توضیحات مربوط به آن‌ها به تعدادی از شرکت‌کنندگان داده شد تا مشخص شود که تفسیر نتایج مشابه نظر ایشان است. هم‌چنین، اختصاص زمان نسبتاً طولانی پژوهشگر برای درگیری با جزئیات مصاحبه‌ها و تحلیل موارد متناقض، از جمله اقدامات دیگر برای افزایش اعتبارپذیری بود.

یافته‌های پژوهش

این مطالعه به بررسی تجربه زیسته زنان اصفهانی در مرکز پشتیبانی از جنگ

می‌پردازد. مرکزی که در دانشگاه اصفهان برپا می‌شود و قریب به هفت هزار نفر از زنان، طی هشت سال در آن به فعالیت می‌پردازند. نتایج و کدهای به‌دست‌آمده در این مطالعه در سه سطح توصیفی (کدبندی اولیه)، تفسیری (کدبندی متمرکز) و تبیینی، چهار مفهوم محوری از تجربه زیسته زنان در کارگاه خیاطی را نمایان کرد:

۱. ساختار منسجم، منعطف و کارآمد؛ ۲. محیط متعالی؛ ۳. روش مواجهه خانواده؛ ۴. بازیابی هویت اجتماعی.

۱. ساختار منسجم، منعطف و کارآمد

مصاحبه‌شونده‌ها هر کدام به نحوی به مسئله ساختار حاکم بر فضای کارگاه می‌پرداختند. از مجموع گفته‌های آن‌ها این نتیجه به دست می‌آید که یکی از دلایل پیشرفت کارها و هم‌چنین رضایت آن‌ها از این فعالیت، مدیون سیستمی است که در آن کار می‌کنند. این سیستم اجزاء مختلفی دارد که به صورت هماهنگ کار می‌کنند و نتیجه این هماهنگی، نظم و دقت در امور است. البته این سیستم انعطاف‌پذیری لازم را هم دارد و در مواقعی که مشکلی در کار ایجاد می‌شود آن را بررسی کرده و درصدد رفع مشکل برمی‌آید. سیستم کاملاً در نظر دارد که نیروی انسانی خود را تکریم کند و آن‌ها به‌مثابه انسانی ارزشمند به حساب آورد. ورود به سطح کدهای تفسیری این مطلب را به صورت گویاتری نشان می‌دهد:

۱-۱. کار به اندازه توان

شرکت‌کنندگان در این فعالیت اجتماعی معتقد بودند سیستم از هر کس به‌اندازه توان و امکانات او انتظار داشت. ابتدا این توانایی شناسایی و سپس متناسب با آن، کارها واگذار می‌شد. به این ترتیب از خیاط حرفه‌ای تا فرد مبتدی وارد کارگاه می‌شدند و حسب توانمندی جایگاهی برای خدمت‌رسانی، تعریف می‌شد. حتی در مواردی افراد با معلولیت جسمی هم قادر به انجام کار بودند. در این رابطه زنان چند مورد مثال می‌زنند:

«خانمی بودند که بنده خدا روشن‌دل بودند؛ ولی آنجا فعالیت می‌کردند. خیلی وابسته به ما بود. می‌نشست دکمه می‌دوخت با همان روشن‌دلی‌اش. همیشه پای میز ما نشسته بود» (کد ۱۶۰۰۳۴۴۸۸۰۰۱).

«اعلام کردند بیاید جهاد دانشگاهی، دانشگاه بیاید و خیاطی بکنید. برای جبهه لباس بدوزید، بافتنی بکنید، هر کسی هر کاری می‌تواند بیاید» (کد ۱۷۰۰۱۲۹۸۸۰۰۱).

۲-۱. دقت و نظم در کارها

به اذعان بسیاری از زنان حاضر در کارگاه، امور با نظم و دقت خاصی انجام می‌گرفت. از ورود و خروج افراد به کارگاه تا تقسیم کار، برش و دوخت، اتو کاری و بسته‌بندی همگی نظم و ترتیب تعریف شده‌ای داشته است. در همه مراحل انجام کار افرادی مسؤولیت نظارت بر حسن انجام کار را به عهده داشتند و در صورت لزوم تدابیر لازم را اتخاذ می‌کردند. زنان حاضر در کارگاه به خصوص کسانی که با سرپرست کارگاه ارتباط بیشتری داشتند می‌گویند که مسؤولین کارگاه به شدت بر انجام منظم امور تأکید داشتند و این مسئله موجب افزایش بازدهی شده بود.

«دوخته‌ها را تحویل می‌گرفتیم. وقتی می‌دیدیم عیبی ندارد می‌دادیم دکمه دوزی. وقتی دکمه‌دوزی تمام می‌شد، می‌دادیم نخ‌چینی. نخ‌چینی تمام می‌شد می‌دادیم برای اتو. بعد برای بسته‌بندی، خیلی برنامه‌اش قشنگ بود. منظم بود و یک سیری برای خودش داشت» (کد ۱۶۰۰۳۴۶۸۸۰۰۱).

«نظارت داشتند. آن‌هایی که خراب می‌شد می‌شکافتند دوباره می‌دوختند» (کد ۱۶۰۰۰۴۰۸۸۰۰۲).

۳-۱. بازدید مسؤولین از کارگاه

مسؤولین مختلف در رده‌های شهری، استانی و کشوری از مکان کارگاه بازدید می‌کردند و زنان غالباً از این حضور یاد کرده‌اند. حضور این افراد با دو منظور بوده است. اول آگاهی از روند انجام کار و برطرف کردن مشکلات احتمالی. دوم قدردانی و سپاس از زنان فداکاری که خالصانه وقت خود را صرف این کار می‌کنند.

«بازدید خیلی داشتیم، فرمانده‌ها می‌آمدند. فرمانده لشکر امام حسین و حتی جاهای دیگر از پایگاه‌های نیرو هوایی و اینها می‌آمدند. مسؤولین، استاندار و علما می‌آمدند. نماینده ولی فقیه در اصفهان و شهرهای دیگر آمدند.» (کد ۱۶۰۰۵۱۱۸۸۰۰۱)

۴-۱. کار فرهنگی در کنار کار جهادی

مسؤولین کارگاه به زنان خدمات مختلف فرهنگی ارائه می‌دادند. یکی از مهم‌ترین این خدمات دایر کردن مهد کودک برای کودکان رده‌های سنی مختلف بوده است. به این ترتیب زنان صبح‌ها با طیب خاطر به همراه فرزندان‌شان به دانشگاه می‌آمدند و ظهر با آن‌ها به خانه برمی‌گشتند. آن‌ها از کیفیت مهد کودک نیز راضی بودند و می‌گفتند برای بچه‌ها برنامه‌های مهارتی و تفریحی خوبی تدارک دیده شده بود. برای زنان فعال در کارگاه نیز کلاس‌های مختلف سوادآموزی، آموزش کمک‌های اولیه،

آموزش روخوانی قرآن، آموزش اطفای حریق و ... برگزار می‌شد. در خود کارگاه و در حین انجام کار نیز فعالیت‌های فرهنگی مختلفی انجام می‌گرفت. از خواندن قرآن و ادعیه تا خواندن سرود و اشعار انقلابی. امضای طومار به مناسبت‌های سیاسی، شرکت در راهپیمایی و حتی سفر به مقصد دیدار امام خمینی (ره). در این باره هم خانم‌ها به این نکته اشاره داشتند که مسئله رسیدگی به امور فرهنگی از دغدغه‌های سرپرست کارگاه بود و ایشان اهمیت زیادی برای فعالیت‌های فرهنگی قائل بودند.

«حاج آقا یادگاری خیلی روی بُعد فرهنگی تأکید داشتند. می‌گفتند یک کار خشک و خالی نباشد که فقط خانم‌ها بیایند اینجا، بدوزند و بروند، نه. تلاش می‌کردند یک جو فرهنگی خوبی ایجاد کنند» (کد ۱۶۰۰۵۱۱۸۸۰۰۱).

۱-۵. پیام‌های قدردانی رزمندگان و امام

گرچه زنان حاضر در این فعالیت جهادی، بدون هیچ چشم‌داشتی فعالیت می‌کردند اما هر بار که مسؤولین به مناسبتی از کارگاه بازدید می‌کردند؛ پیام تشکر خود و رزمندگان را به گوش آن‌ها می‌رساندند. همین مسئله آن‌ها را به کار دلگرم و در آن‌ها انگیزه‌ای مضاعف ایجاد می‌کرد. مهم‌ترین این قدردانی‌ها، تشکر امام خمینی از این زنان در دیدار حضوری با ایشان بوده است.

«می‌گفتند از ارتش یک فرمانده می‌خواهد بیاید تشکر کند. می‌آمد و می‌گفت آره بچه‌های جبهه، لباس‌ها رو دیدند و تشکر کردند و به ما گفتند برید از خانم‌هایی که زحمت می‌کشند تشکر کنید» (کد ۱۷۰۰۱۲۹۸۸۰۰۲).

۲. محیط متعالی

محیط متعالی یکی دیگر از کدهای تبیینی حاصل از این پژوهش است که فضای حاکم بر محیط کار و روابط انسانی را تشریح می‌کند. زنان حاضر در این فعالیت، محیط کار را محیطی شاد، لذت‌بخش و بدون استرس و نگرانی توصیف می‌کنند. آن‌ها می‌گویند سایه جنگ بر زندگی ما بود اما در محیط کار ترس، اضطراب، احساس ناامنی وجود نداشت. آن‌ها با یکدیگر نیز روابط خوبی داشتند. روابطی به دور از رذالت‌های اخلاقی مثل حسد، کینه، دروغ. به نظر می‌رسد شکل‌گیری چنین فضایی مرهون اعتقادی است که در این جمع وجود داشته و آن کار برای خدا بوده است. در ادامه با بررسی کدهای تفسیری، بیشتر با شبکه روابط و فضای کار آن‌ها آشنا می‌شویم:

۱-۲. کار بی‌وقفه، بدون احساس خستگی

کار بی‌وقفه، بدون احساس خستگی به نظر عبارتی پارادوکسیکال است. مگر

می‌شود بی‌وقفه کار کرد اما احساس خستگی نداشت؟ خود این زنان هم وقتی به صورت پسینی آن روزها را مرور می‌کنند؛ شگفت‌زده می‌شوند و می‌گویند در حالت عادی یک لباس که برای خودمان می‌دوختیم با کمر درد و پا درد مواجه می‌شدیم اما آن روزها از کار در کارگاه خیاطی احساس خستگی نداشتیم. آن‌ها هم چنین اذعان می‌کنند که هیچ کس وقت هدر نمی‌داد و همه بی‌وقفه و بدون استراحت کار می‌کردند:

«یکی دوست‌هایمان بود حامله شد. آنوقت فردای روزی که حمام رفت، بچه‌اش را بغل کرده بود و با یک گهواره آورد و گذاشت آنجا و خیاطی می‌کرد» (کد ۱۷۰۰۱۲۹۸۸۰۰۲).

«اگر بخوام این درز را بدوزم صد بار بلند می‌شوم و می‌نشینم و کمرم درد می‌کند؛ اما آنجا چه عشقی بود، چطوری بود، من اصلاً خدایی می‌دیدیم و می‌گفتم: خدایا اینها همه‌اش کارهای خودت است. ما هیچ احساس خستگی نمی‌کنیم» (کد ۱۶۰۰۵۰۲۸۸۰۰۱).

۲-۲. فضای شاد، بدون هیچ نگرانی و استرس

همه شاد بودند. قبراق قبراق سرکار حاضر می‌شدند. شوخی و خنده بین آن‌ها جریان داشت. بچه دارها گرچه سخت‌شان بود اما خوشحال بودند. حتی کسانی که فرزندان شهید می‌شد خیلی زود به سر کار برمی‌گشتند. همه باهم خوب بودند. فضای خوب و قشنگ و باصفایی حاکم بود. این‌ها بخشی از توصیفات زنان از کارگاه خیاطی است. این در حالی است که خود آن‌ها معتقد بودند امروز بیشتر افراد استرس و اضطراب دارند.

«آنقدر با روحیه، با نشاط. مثلاً حتی آنهایی هم که فرزندهایشان شهید می‌شدند بعد از چند روز دوباره برمی‌گشتند و فعال‌تر به کارشان ادامه می‌دادند» (کد ۱۶۰۰۵۰۴۸۸۰۰۱).

۲-۳. روابط حسنه

همه با هم خوش برخورد و صمیمی بودند. مهربان بودند. بدون غرور و منیت کار می‌کردند. همه متحد بودند و به همدیگر کمک می‌کردند. بدون هیچ حرف و حدیث و دعوایی. بدون اختلاف. اگر اشتباهی رخ می‌داد، هم را مؤاخذه نمی‌کردند. یک علقه و علاقه خاصی بین خانم‌ها ایجاد شده بود. در گفت‌وگوها مثل دو خواهر صمیمی با هم حرف می‌زدند. بدون غیبت. در حق هم دعای خیر می‌کردند. کارشان بدون ریا و نمایش بود. این‌ها بخشی از توصیفات زنان فعال در کارگاه خیاطی درباره روابط خانم‌ها با یکدیگر است:

«خیلی خوب بود. برای اینکه هیچ کس تو و منی نمی‌کرد یا نمی‌دانم من کردم و من گفتم و من چنین و اینها نبود. همه باهم بودیم» (کد ۱۶۰۰۳۴۶۸۸۰۰۱).
«پهلوی هم نشسته بودند، باهمدیگر حرف می‌زدند. کار می‌کردند اما دعوا و اینها هیچی بین‌شان نبود. همه دقت می‌کردند آبروی کسی را نبرند» (کد ۱۶۰۰۳۴۶۸۸۰۰۱).

۴-۲. کار فقط برای خدا

شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها معتقد بودند همه افرادی که در این فعالیت شرکت داشتند برای خدا کار می‌کردند و این اعتقاد مثل چتری بر فضای کار حکم‌فرما بود. آن‌ها دست خدا را در پیشبرد امور می‌دیدند و با اعتقاد به نظارت خدا و ائمه اطهار، از آن‌ها استعانت می‌گرفتند و در حل مشکلات از آن‌ها مدد می‌خواستند.
«ما که به آن صورت کاری نکردیم و کاری هم بلد نیستیم. خدا می‌داند از همان روزی که اعلام کردند ما فقط هدف‌ها را برای خدا بود تا یک کاری کنیم برای جبهه و رزمندگان و یک سهمی داشته باشیم» (کد ۱۶۰۰۵۰۲۸۸۰۰۱).

۵-۲. زندگی شهیدانه مادران شهدا

زنان زیادی در کارگاه بودند که فرزند، همسر، پدر و یا برادرشان در جبهه حضور داشت. مکرر این اتفاق افتاده است که خبر شهادت آورده‌اند و فضای کارگاه متأثر از این خبر قرار گرفته است. خانم‌ها سعی می‌کردند این خبر را به آرامی به فرد موردنظر انتقال دهند و از او دلجویی کنند. دسته‌جمعی به خانه شهید بروند و بعد از چند روز، او را دوباره به کارگاه بیاورند. نکته قابل تأمل این است که رفتار این مادران چه در هنگام مواجهه با خبر شهادت فرزندشان و چه پس از آن، با متانت خاصی همراه بوده است. آن‌ها فرزند خود را امانت می‌دیدند و بعد از تقدیم این امانت، گرچه دلتنگ می‌شدند اما شکوه نمی‌کردند.

«این‌ها خیلی‌هاشون بچه‌هایشان شهید شدند. یادم هست خبر شهادت پسر یکی از خانم‌ها را آوردند. ما می‌گفتیم فلانی بچه‌اش شهید شده و ناراحت است و باید به خانه برود. خود این مادر می‌گفت نه من باید بیایم و کار را ادامه بدهم. هر وقت بچه‌ام را آوردند ما می‌رویم. این‌ها دو تا خواهر بودند. یکی از آن‌ها خودش با دستش بچه‌اش را شست و گذاشت توی قبر. مراسم‌هایش را می‌رفتیم. بعد چند روز که آورده بودندش، هیچ انگار نه انگار بچه‌هایشان شهید شدند» (کد ۱۶۰۰۳۴۵۸۸۰۰۱).

۶-۲. لذت دنیا و آخرت

حضور در کارگاه خیاطی برای زنان هم آورده دنیوی داشت و هم آورده اخروی. به همین دلیل بیشتر آن‌ها از این ایام با حال خوش یاد می‌کنند. این حضور را برای خود سعادت می‌دانند و می‌گویند ما به عشق کمک به جبهه‌ها می‌رفتیم و این فضا به ما روحیه و انگیزه می‌داد.

«خلاصه ۸ سال آنجا داشتیم زندگی می‌کردیم. به همه می‌گویم من ۸ سال دانشگاه رفتم اما بی‌سواد آمدم بیرون. اما خدا این توفیق را به من داد» (کد ۱۶۰۰۶۰۱۸۸۰۰۱).

«یک سال و نیم از زندگیم را در جهاد بودم. من لذت دنیا و آخرت بردم تو این دانشگاه» (کد ۱۶۰۰۰۴۰۸۸۰۰۲).

۲-۷. گذشت از مال و جان

برای زنان جهادگر اهدای کار و وقت‌شان به جبهه‌ها کافی نبود. آن‌ها از بذل مال و جان‌شان هم دریغ نداشتند. در مواقع مختلف پول و طلا برای کمک به جبهه‌ها جمع‌آوری می‌شد. خیلی‌ها چرخ‌های خیاطی‌شان را وقف کار کرده بودند. برخی خانم‌ها که مجرد بودند با جانبازان جنگ ازدواج می‌کردند. خلاصه این که روحیه گذشت و فداکاری در آن فضا بین همه جریان داشت.

«مادم دوست‌هایم می‌گفتند که این چرخ حیف است، این چرخ را شما آوردی اینجا؟ گفتم جوان‌ها دارند جان می‌دهند، من حالا یک چرخ ناقابل را بخواهم قایم کنیم، بگویم حیف است» (کد ۱۷۰۰۱۲۹۸۸۰۰۲).

۲-۸. ذکر و دعا بر لب‌ها

آنچه در حین کار روح معنوی ایجاد کرده و به زنان حاضر انرژی مضاعف داده؛ جاری بودن ادعیه و اذکار معنوی بر لب‌ها بوده است. این مناجات‌خوانی‌ها یک برنامه روزانه داشته است و البته در موقعیت‌های خاص مثل زمان حمله دشمن، زمان بیمار شدن مسئولین، زمان آوردن خبر شهادت فرزندان مادران حاضر در کارگاه، قوت می‌یافت.

«یک محیطی بود که اصلاً همیشه ذکر و سلام و صلوات. هیچ وقت نبود که دیده باشم یک کدام‌شان نگران باشند که ای حالا چطور می‌شود» (کد ۱۶۰۰۵۱۱۸۸۰۰۱).

۳. روش مواجهه خانواده

مشارکت اجتماعی زنان در خیاطخانه دانشگاه، خانواده آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نه تنها همسر و فرزندان که گاه این مشارکت، اعضای دیگر خانواده مثل مادر بزرگ و پدر بزرگ را هم در کار دخیل می‌کند. نحوه مواجهه این افراد با مسأله فوق، در آسایش و آرامش زنان فعال در کارگاه تأثیر دارد. به طوری که برخی با داشتن این حمایت هیچ‌گونه دغدغه و نگرانی ندارند. عده‌ای هم باید برای به هم نخوردن آرامش خود و سایر اعضای خانواده کار بیشتری انجام دهند تا با مخالفت برای حضور مواجه نگردند. نکته مهم آن‌که این حضور، منجر به افزایش توان مدیریتی زنان در ایجاد توازن بین کارهای درون و برون خانه شده است.

۱- ۳. حمایت و همراهی خانواده

برخی زنان با اصرار و همراهی همسر برای حضور در کارگاه روبرو بودند. به همین جهت آن‌ها دغدغه خاطر کمتری پیرامون کاستی‌های احتمالی به وجود آمده در خانه داشتند. پیش‌آمدهای احتمالی نیز عامل به هم خوردن آرامش زندگی آن‌ها نبوده است. برخی علاوه بر حمایت همسر تشویق‌های پدر و مادر و کمک‌های آن‌ها برای نگهداری فرزندان را نیز داشتند. همین مسئله باعث می‌شد آن‌ها بتوانند زمان بیشتری را به کار خود اختصاص دهند.

«اگر که من شب هم نمی‌آمدم در خانه، این مرد چیزی نمی‌گفت. اگر یک وقت خانه آقایم می‌رفتم؛ می‌گفت کی می‌آیید؟ می‌گویم که مثلاً ساعت هفت و ربع می‌آیم، اگر این هفت و ربع، هفت و نیم می‌شد وای به حالم بود. اما اگر کارگاه بودم این مرد هیچی نمی‌گفت. مدام به من می‌گفت عجله نکنی، من هیچ کاری ندارم» (کد ۱۶۰۰۳۳۹۸۸۰۰۱).

«آنوقت می‌گفتم مامان من نیمام، شب میام یا مثلاً غروب می‌آیم، یا مثلاً ظهر زنگ می‌زدم و می‌گفتم مامان ممکن است امشب هم کار خیلی هست نیمام شب. می‌گفتند باشه مامان، جوش ریحانه رو نزن. من هرچی دارم از مامان دارم، چون خیلی پشتم بودند، پشت و پناه بودند» (کد ۱۷۰۰۱۲۹۸۸۰۰۲).

۲- ۳. موانع خانواده بر سر راه

برخی زنان برای حضور در کارگاه با چالش‌هایی روبرو بودند. آن‌ها باید در ابتدا رضایت همسر را برای حضور در کارگاه جلب می‌کردند. پس از آن نیز دائماً مراقب انجام کارهای خانه باشند تا خدای ناکرده کاستی‌های احتمالی، موجب نارضایتی و ممانعت برای حضور نشود. به جز این مسئله، برخی کلیشه‌های جنسیتی نیز برای

آن‌ها چالش ایجاد می‌کرد. کلیشه‌هایی مثل این‌که زن باید در خانه باشد. اگر زن به فعالیت خارج از خانه بپردازد، دچار انحراف می‌شود. از طرف دیگر گاه با طعنه‌ها و کنایه‌های مختلف روبرو می‌شدند. کنایه پول گرفتن، گویی برخی باور نمی‌کردند کسانی بدون دریافت مزد، وقت و انرژی‌شان را برای جبهه‌ها بگذارند. به همین جهت کنایه می‌زدند و می‌گفتند: دروغ می‌گویید. برای انجام این کارها پول می‌گیرید.

«این‌ها بنده خداها اینقدر مقید بودند که حالا غذایشان را درست کنند که یک

دفعه اتفاقی نیفتد. ظهر که به خانه می‌رسند، همه چیز مرتب باشد و صدای بقیه

در نیاید» (کد ۱۶۰۰۳۳۹۸۸۰۰۱).

«مادرشوهرم اینها ایراد می‌گرفتند. به شوهرم می‌گفتند نگذار برود. زن باید در

خانه باشد، زن باید خانه‌داری کند» (کد ۱۶۰۰۳۴۳۸۸۰۰۱).

۳-۳. مدیریت کار- خانواده

تجربه حضور در یک فعالیت اجتماعی باعث شده بود که زنان به سمت مدیریت مسائل کار و خانواده بروند و این مدیریت برای آن‌ها توانمندی‌هایی را به وجود آورد. آن‌ها به نوعی خود را کارمند می‌دیدند و سعی می‌کردند از زمان‌های حضور در خانه استفاده بیشتری ببرند تا مشکلی در رتق و فتق امور خانه پیش نیاید.

«می‌گفت همه کارهایمان در خانه انجام می‌شود. رخت‌شویی‌مان.

طرف شویی‌مان. غذایمان را می‌پختیم. زندگی‌مان را جارو می‌کردیم. همه

کارهایمان را هم می‌کردیم و می‌رفتیم آنجا. بعد هم که می‌آمدیم خب غذا آماده

داشتیم و کارهایمان شده بود و بچه‌ها از مدرسه می‌آمدند. انگار خدا خودش

همه چیز را جا می‌انداخت» (کد ۱۶۰۰۶۰۱۸۸۰۰۱).

۴. بازیابی هویت اجتماعی

زنان معتقد و مذهبی بعد از وقوع انقلاب اسلامی در شرایط جدیدی قرار گرفتند. آن‌ها علاوه بر فعالیت‌های درون خانواده درباره وضعیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشورشان فکر می‌کردند و برای رسیدن به آرمان‌هایشان، دست به اقدام عملی می‌زدند. این در حالی است که قبل از انقلاب اسلامی این امکان برای آن‌ها فراهم نبود و اندک افرادی هم که علاقه‌مند به تحصیل بودند، با فشار شدید برای برداشتن حجاب مواجه بودند. در این دوره هویت گم‌شده زن ایرانی، به مدد اندیشه‌های امام خمینی (ره) در جامعه احیا شد و به شدت ذهن‌ها و قلب‌ها را تحت تأثیر قرار داد. هویت اجتماعی که در سایه آن زنان می‌توانستند اراده معطوف به آرمان خود را عینیت ببخشند و روز به روز به توانمندی‌های خود بیفزایند. زنان فعال در کارگاه درباره این

هویت اجتماعی نکات مهمی را مطرح کرده‌اند که در ادامه به آن می‌پردازیم:

۱-۴. رشد اجتماعی زنان

رشد جز در سایه حرکت ایجاد نمی‌شود. حرکت اجتماعی زنان مذهبی در سال‌های قبل انقلاب تقریباً متوقف بود و انقلاب اسلامی مسیر جدیدی برای حرکت آن‌ها ایجاد کرد. ریل‌گذاری جدید باعث حرکت اجتماعی زنان و در نتیجه رشد آن‌ها شد. این رشد چند بعدی است و آورده‌ها و ثمرات زیادی برای زنان مسلمان و جامعه اسلامی داشته است.

«خیلی‌ها بودند که اجتماعی نبودند؛ اعتماد به نفس نداشتند که در جمع حرف بزنند و فعالیت کنند. در این دوره خانم‌ها توان و قوه پیدا کردند و اعتماد به نفس‌شان بیشتر شد» (کد ۱۶۰۰۶۰۱۸۸۰۰۱).

«این فعالیت‌ها خیلی خوب بود، هم برای خودشان هم برای بچه‌هاشون. خانم‌ها از نظر فرهنگی و اجتماعی رشد کردند و این در تربیت بچه‌هاشون تأثیر مثبت داشت. ما اونجا دوستان زیادی پیدا کردیم. بچه‌هامون با هم رفت و آمد کردند. اتفاقات مهم و خوبی از نظر فرهنگی اجتماعی افتاد. کارهای زیادی یاد گرفتیم. اطلاعات زیاد سیاسی رد و بدل می‌شد. مثلاً من برادرم خانه آقای خادمی رفت و آمد داشتند و من خانم‌ها را از اخبار سیاسی که بود مطلع می‌کردم» (کد ۱۶۰۰۵۰۱۸۸۰۰۱).

۲-۴. حضور مؤثر زنان

حضور زنان در صحنه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی نه تنها در زندگی فردی آن‌ها مؤثر بود بلکه در روند حرکت انقلاب بسیار مفید فایده بود. مسیر حرکت را هموار و رسیدن به اهداف را میسر می‌کرد. اهمیت این حضور به قدری است که امام خمینی پیروزی انقلاب را مرهون حضور زنان می‌دانند.

«به نظر من حضور خانم‌ها اون روز نیاز بود. جنگ بود. احتیاج بود. این حضور برای روند انقلاب مؤثر و مفید بود» (کد ۱۶۰۰۵۰۷۸۸۰۰۱).

۳-۴. تغییر ذهن‌ها و قلب‌ها با شنیدن دیدگاه‌های امام

تغییر در وضعیت و جایگاه زنان بیش از هر چیز مرهون اندیشه‌ای بود که همه چیز را حول محور خدا می‌دید و در آن زن و مرد بودن تنها بروز متفاوت جلوه‌های انسانی در دو جنس بود. انسانی مسئول و مکلف که فقط به خود و خانواده‌اش نمی‌اندیشد و مسئله جامعه اسلامی، مسئله اوست. این نگاه باعث شد تغییرات عمیقی در اذهان و قلوب زنان و مردان ایجاد شود. دایره نگاه آن‌ها وسعت یابد. کلیشه‌های جنسیتی

که باعث عقب ماندگی زنان می شد از بین برود و زنان فرصت حضور فعالانه و بروز توانمندی های خود را به دست آورند.

«دیگر امام که آمدند همه آزاد شدند. فکرها آزاد شد. ما که قبلاً از خانه بیرون نمی رفتیم فرصت پیدا کردیم کارهای اجتماعی انجام دهیم. دیگر امام بودند و رهبر» (کد ۱۶۰۰۵۰۱۸۸۰۰۱).

«امام ارزش و بها دادند به خانمها و گفتند خانمها می توانند در اجتماع باشند و حضورشان مؤثر است» (کد ۱۶۰۰۵۰۱۸۸۰۰۱).

۴-۴. رضایت زنان از حضور اجتماعی

این تغییر برای زنان نیز خوشایند بود و آنها احساس خوبی از ایجاد چنین فضایی داشتند. آنها از این که می توانستند در معادلات سیاسی اجتماعی نقش ایفا کنند؛ همواره شاکر خداوند بودند. چراکه آنها خود را مسئول می دانستند و حضور در خیاطخانه باعث شده بود آنها احساس نکنند تکلیفشان را انجام نداده اند. حتی در روزهای پایانی کار به دنبال راهی برای حفظ هویت اجتماعی خود بودند و تعطیلی کارگاه برای آنها سخت بوده است.

«خانمها که داخل جهاد کار می کردند هم خیلی از این کار راضی بودند. یادمه تو صحبت هاشون همه اشتیاق داشتند و با هیجان از این کار و فعالیتشان یاد می کردند. مدام می گفتند خدا را شکر توفیق داریم می آیم اینجا» (کد ۱۶۰۰۶۰۱۸۸۰۰۱).

۴-۵. تلاش برای حضور اجتماعی

قالب مردان از حضور اجتماعی زنان و کار آنها در کارگاه راضی بودند و این تغییر را مثبت ارزیابی می کردند. گرچه خانمهایی هم بودند که به هر دلیل با موانعی برای حضور در فضای کار مواجه بودند و برای رفع این موانع تلاش می کردند. بخش عمده این تلاشها بر ایجاد تغییر در ذهن همسرانشان متمرکز بود. این مسئله گرچه انرژی زیادی از زنان می گرفت اما آنها را از انجام کار منصرف نکرد.

«اونهایی هم که شوهرانشان مخالف بودند تلاش می کردند که رأیشان را عوض کنند» (کد ۱۶۰۰۰۴۰۸۸۰۰۲).

جدول ۱. یافته‌ها در یک نگاه

کدهای تبیینی	کدهای تفسیری	
ساختار منسجم، منعطف و کارآمد	کار به اندازه توان	۱-۱
	دقت و نظم در کارها	۱-۲
	بازدید مسئولین از کارگاه	۱-۳
	کار فرهنگی در کنار کار جهادی	۱-۴
	پیام‌های قدردانی رزمندگان و امام	۱-۵
محیط متعالی	کار بی‌وقفه، بدون احساس خستگی	۲-۱
	فضای شاد، بدون هیچ نگرانی و استرس	۲-۲
	روابط حسنه	۲-۳
	کار فقط برای خدا	۲-۴
	زندگی شهیدانه مادران شهدا	۲-۵
	لذت دنیا و آخرت	۲-۶
	گذشت از مال و جان	۲-۷
	ذکر و دعا بر لب‌ها	۲-۸
روش مواجهه خانواده	حمایت و همراهی خانواده	۳-۱
	موانع خانواده بر سر راه	۳-۲
	مدیریت کار خانواده	۳-۳
بازیابی هویت اجتماعی	رشد اجتماعی زنان	۴-۱
	حضور مؤثر زنان	۴-۲
	تغییر ذهن‌ها و قلب‌ها با شنیدن دیدگاه‌های امام	۴-۳
	رضایت زنان از حضور اجتماعی	۴-۴
	تلاش برای حضور اجتماعی	۴-۵

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی متنوع و متکثر در فرآیند پیروزی انقلاب و بعد از آن، نوعی از کنشگری زنان را به منصفه ظهور گذاشت که به رویکردهای رایج در حوزه

زنان پشت پا می‌زد و نویدبخش الگوی جدیدی بود. فعالیت زنان در مراکز پشتیبانی جنگ مصداقی از الگوی جدید فعالیت زنان در یک نظام سیاسی نوپا بود. در واقع انقلاب اسلامی اراده و استقلال زن را به رسمیت شناخت و با تعریف نقش‌های جدید برای زنان به بازیابی هویت اجتماعی آنان کمک کرد. هویت اجتماعی که در گذشته نه‌چندان دور نادیده انگاشته می‌شد یا در بهترین حالت در نظر گرفتنش، منوط به انکار زنانگی و پذیرش استانداردهای مردانه بود. هویت اجتماعی که زنانگی در آن موضوعیت داشت و به آن جهت می‌داد. این تغییرات باعث افزایش کارآمدی زنان و در نتیجه به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی و تداوم آن شد.

پرسش مهمی که بررسی یافته‌های این پژوهش برای ما ایجاد کرد آن بود که چرا تعریف نقش جدید برای زنان در آن زمان و در آن ساختار، زنان را با مسائلی همچون تزاخم نقش‌ها، یا تعارض کار- خانواده روبرو نکرد؟ گرچه این فعالیت سختی مضاعفی را برای آنان ایجاد کرده بود اما آن‌چنان برای آن‌ها دلنشین بود که حاضر به ترک آن نبودند و امروز بعد از گذشت سال‌ها از آن دوران به عنوان یکی از بهترین دوران زندگی خود یاد می‌کنند. گویی جامعه درباره این ایفای نقش به وفاق ارزشی رسیده و زنان دقیقاً در جای مناسب خود قرار گرفته‌اند. این در حالی است که ساختارهای جدید شغلی برای زنان، آن‌ها را با مسائلی مثل تعارض کار - خانواده روبرو کرده است (خداکرم‌پور، سرحدی، ۱۳۹۲: ۴۴).

به نظر می‌رسد در پاسخ به این سؤال توجه به چند نکته ضروری می‌نماید: اولاً در آن زمان فضای ذهنی و قلبی جامعه درباره اهمیت حضور زنان در نظام سیاسی جدید تغییر پیدا کرده بود. این تغییر منبث از دیدگاه‌ها و بیانات امام خمینی (ره) بود. به طوری که همان مردانی که تا دیروز مخالف نقش‌آفرینی زنان در فعالیت‌های سیاسی اجتماعی بودند به همسران خود اصرار می‌کردند وارد عرصه این فعالیت‌ها شوند. زنانی که تا دیروز خود را توانمند و مفید در کنشگری اجتماعی سیاسی نمی‌دیدند؛ احساس وظیفه و تکلیف در آن‌ها غلیان می‌کرد.

نکته دوم این که ساختار ایجاد شده برای فعالیت این زنان ساختاری است که به اقتضائات زیست زنان توجه ویژه دارد. به طور مثال در عین توجه به نظم و دقت، انعطاف‌پذیری لازم را دارد. به اهمیت نقش همسری و مادری توجه دارد و کار را نیمه‌وقت تعریف می‌کند و در همان نیمروز مهدکودکی دایر می‌کند تا مادران بدون نگرانی فرزندان خود را به همراه بیاورند. هم‌چنین این ساختار به رشد زنان در ابعاد دیگر

نیز توجه دارد و صرفاً از آن‌ها خدمات نمی‌گیرد. در همان محیط کارگاه، فعالیت‌های مختلف فرهنگی تعریف می‌کند تا زنان توانمندی‌های مختلفی به دست آورند. نکته سوم این‌که چون کار برای خداست، روابط انسانی و شبکه روابط طور دیگری شکل می‌گیرد. طوری که همه چیز انسانی و فطری است و در آن رذالت‌های اخلاقی دیده نمی‌شود.

امروز هم اگر بخواهیم صحنه اجتماعی را برای حضور زنان آماده کنیم لازم است در گام اول به تغییر فضای ذهنی و قلبی جامعه درباره استعدادها و توانمندی‌های زنان که منبعث از جنسیت آن‌هاست؛ ببیندیشیم و نه درگیر شدن به مباحث حقوقی زنان و نه ورود بی‌مهابای زنان به ساختارهای مردساخته اجتماعی. در گام بعدی به ایجاد ساختارهای زنانه فکر کنیم. ساختارهایی که اقتضائات زیست زنان را به معنی واقعی کلمه در نظر بگیرد. انعطاف‌پذیری، اهمیت دادن به حضور مادر و فرزند در کنار هم رشد استعدادهای زنان از کلیدواژه‌های مهم در این ساخت جدید است. به‌طور قطع نباید انتظار داشت که مردان بتوانند مختصات این ساختار را خوب فهم کنند و به اقدام دست بزنند. زنان باید در ایجاد چنین ساختارهایی پیش‌گام باشند و با شناخت دقیق و عمیق نیازها، خواسته‌ها و استعدادهای خود طرح جدیدی برای حضور مؤثر زنان بدهند.

به نظر می‌رسد؛ توجه به مجموعه این نکات و بررسی تجربه زیسته زنان در سایر فعالیت‌های اجتماعی که ذیل گفتمان انقلاب اسلامی طراحی و ایجاد شده است، گره مسئله حضور اجتماعی زنان در عصر حاضر را حل می‌کند. گرهی که به جهت ورود زنان به ساختارهای مردانه ایجاد شده است. ساختارهایی که به اقتضائات زیست زنان توجه ندارد و در یک فضای رقابتی و نابرابر از زنان می‌خواهد حرکت اجتماعی خود را سامان دهند. در این شرایط نابرابر، زنان یا خود را از این ساختارها حذف می‌کنند و به زیست زنانه خود در نظام خانوادگی اولویت می‌دهند یا در این رقابت به صورت جدی حضور پیدا می‌کنند و تبعات حضور آنان، دامن‌گیر خانواده می‌شود.

منابع و مآخذ

- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۶). مروری بر نظریه نقش، رشد آموزش علوم اجتماعی، ۱۰ (۳)، ۲۸۰-۳۱۰.
- پیروزمند، علیرضا (۱۳۸۰). بررسی تحلیلی الگوی فعالیت زنان در جهان معاصر، کتاب مجموعه مقالات هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان؛ اولویت‌ها و رویکردها. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- تبیان. (۱۳۸۷). جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (س). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

- شمیری (۱۳۹۸). بررسی نقش زنان در دفاع مقدس بر اساس خاطره‌نوشت یکشنبه آخر (خاطرات معصومه رامهرمزی)، نشریه مطالعات دفاع مقدس، ۵(۲)، ۴۹-۶۸. DOR: 20.1001.1.25883674.1398.5.18.3.9.68-49
- جمشیدی‌ها، غلامرضا و حمیدی، نفیسه (۱۳۸۶). تجربه زنانه از جنگ. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۲۵(۲)، ۸۱-۱۰۸.
- خالق‌زاده، محمدصادق و ولایتی، الهام (۱۳۹۹). نقش زنان در ادبیات جنگ تحمیلی. تاریخ‌نامه خوارزمی، ۸(۲۹)، ۱۸-۳۳.
- خداکرم‌پور، زهرا و سرحدی، فاطمه (۱۳۹۲). بررسی رابطه اشتغال با تعارض کار- خانواده. ماه‌نامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار- جامعه، ۱۶۱، ۳۹-۴۵.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۹۳). دریغ است ایران که ویران شود. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). آناتومی جامعه. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). دایره المعارف علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیهان.
- سلیمی، مینو (۱۳۹۷). مطالعه مردم‌شناسی روایت‌های زنانه از دوران جنگ تحمیلی. فصل‌نامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، ۱۰(۳۷)، ۱۱۵-۱۳۰.
- شهرستانی، زهره، سلطانی، سید علی‌اصغر و طباطبایی لطفی، سید عبدالمجید (۱۴۰۱). جنسیت در روایت‌های زنانه و مردانه جنگ از منظر تحلیل انتقادی استعاره. پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ۱۰(۲۷)، ۱۵۱-۱۷۵.
- صانعی، اشرف سادات و نیکبخت نصرآبادی، علیرضا (۱۳۸۴). روش‌شناسی تحقیقات کیفی در علوم پزشکی. تهران: انتشارات برای فردا.
- فلاح، نسرين (۱۳۹۲). تجربه دوگانه زنان از جنگ. نشریه ادبیات پایداری، ۵(۹)، ۲۳۹-۲۶۴.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی ضد روش (جلد دوم). تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- میری، مریم السادات و نصراللهی، محمدصادق (۱۴۰۰). بازنمایی شخصیت زن در کتاب‌های خاطرات دفاع مقدس. زن در فرهنگ و هنر، ۱۳(۲). DOI: 10.22059/10.22059/1608.jwica.1400.27059
- H. Patricia Hynes (2004). Women's Studies International Forum, Volume 27, Issues 5-6, Pages 431-445. doi.org/10.1016/j.apnu.2016.01.008.
- Gina Maiocco, Mary Jane Smith (2016). Archives of Psychiatric Nursing, Volume 30, Issue 3, Pages 393-399. doi.org/10.1016/j.wsif.2004.09.001.
- Imani Jajermi, Hossein (1386). A review of role theory, the growth of social science education. 10(3), 28-31.[inPrssian]
- Pirouzmand, Alireza (1380). An analytical study of the pattern of women's activity in the contemporary world, a book of like-minded essays on women's issues and problems; Priorities and approaches. Qom: Office of Women's Studies and Research.[inPrssian]
- explanation (1387). The position of women in Imam Khomeini's thought. Tehran: Institute for organizing and publishing the works of Imam Khomeini (RA). [inPrssian]

- Samramiri (2018). Investigating the role of women in holy defense based on the memoirs of the last Sunday (Memoirs of Masoumeh Ramhormzi), *Journal of Holy Defense Studies*, 5(2), 49-68. DOR: 20.1001.1.25883674.1398.5.18.3.9 [inPrssian]
- Jamshidis, Gholamreza and Hamidi, Nafiseh. (1386). Women's experience of war. *Women in Development and Politics (Women's Studies)*, 5(2), 81-108.. [inPrssian]
- Khaliqzadeh, Mohammad Sadiq and Velayati, Elham. (2019). The role of women in the literature of imposed war. *Kharazmi Chronicle*, 8 (29),18-33.[inPrssian]
- Khodakarampour, Zahra and Sarhadhi, Fatemeh (2012). Examining the relationship between employment and work-family conflict. *Social, economic, scientific and cultural work-society monthly*, 161, 39-45. [inPrssian]
- Rafipour, Faramarz (2013). *Do not let Iran be destroyed*. Tehran: Publishing Company.[inPrssian]
- Rafipour, Faramarz (1378). *Anatomy of society*. Tehran: Publishing Company. [inPrssian]
- Sarukhani, Bagher (1370). *Encyclopedia of Social Sciences*. Tehran: Keihan Publications.[inPrssian]
- Salimi, Mino (2017). Anthropological study of women's narratives from the period of imposed war. *Women and Culture Scientific Research Quarterly*, 10(37), 115-130.[inPrssian]
- Shahrasthani, Zohra, Soltani, Sayyed Ali Asghar and Tabatabai Lotfi, Sayyed Abdul Majid (1401). Gender in male and female narratives of war from the perspective of critical analysis of metaphor. *Islamic Research Journal of Women and Family*, 10(27), 151-175.[inPrssian]
- Sanei, Ashraf Sadat and Nikbakht Nasrabadi, Alireza (2004). *Methodology of qualitative research in medical sciences*. Tehran: Publications for Farda.[inPrssian]
- Fallah, Nasreen (2012). Women's double experience of war. *Journal of Sustainability Literature*, 5(9), 239-264.[inPrssian]
- Mohammadpour, Ahmed (1390). *Qualitative research method against the method (second volume)*. Tehran: Sociologists Publishing House.[inPrssian]
- Miri, Maryam Al Sadat and Nasrallahi, Mohammad Sadegh. (1400). Representation of the female character in the holy defense diaries. *Women in Culture and Art*, 13(2). DOI: 10.22059/jwica.2021.324479.1608 [inPrssian]



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی